

روایات زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده؛ گونه‌شناسی و دلالت‌سنجی

هانی زعفرانی^۱

چکیده

موضوع زیارت مرقد امام حسین علیه السلام با پای پیاده، یکی از موضوعات پژوهشی اولویت‌دار در حوزه زیارت است؛ زیرا از طرفی، این شکل خاص زیارت در میان مسلمانان، علاقه‌مندان بسیار زیادی دارد و از طرفی، کشف استنادات روایی این شیوه زیارتی و شرایط آن، تحقیق و پژوهش بیشتری را می‌طلبد. در این راستا، مقاله پیش رو پس از جمع‌آوری روایات این باب بر مبنای کلیدواژه‌هایی همچون «خُطُوة»، «مَاشِیاً» و «مِنَ الْفُرَاتِ»، آنها را در قالب سه گونه روایی ارائه داده است. این نگاه‌ها به‌فراخور گنجایش خود، ضمن گونه‌شناسی روایات، به دلالت‌سنجی روایات و بیان تفاوت‌های موجود در آنها از حیث محدوده پیاده‌روی و جمع‌دلالتی، پرداخته است. بررسی احتمال طریقت داشتن پیاده‌روی نیز در دستور کار این مقاله قرار داشته است. در پایان، دلالت روایات بر فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده در تمام طول سفر، مورد قبول نگارنده واقع شده است.

کلیدواژه

پیاده‌روی زیارتی، اربعین، خُطُوة، مَنِ الْفُرَاتِ، معارف حدیث

مقدمه

پدیده زیارت مرقد اباعبدالله الحسین علیه السلام با پای پیاده، سابقه‌ای طولانی دارد. از گذشته‌های دور، دوست‌داران اهل‌بیت علیهم السلام و عالمان تشیع، به‌منظور زیارت حرم امام حسین علیه السلام با پای پیاده به کربلا مشرف می‌شدند. با وجود سختی‌ها و مشکلات این شکل خاص زیارت، روزبه‌روز بر تعداد علاقه‌مندان آن افزوده شد؛ تا جایی که امروزه، راهپیمایی زیارت امام حسین علیه السلام در ایام اربعین، به حماسه‌ای

۱. دانش‌پژوه سطح ۳ مرکز تخصصی حدیث حوزه علمیه قم، (hanizafarani۹۳@Gmail.com)

جهانی مبدل گشته است. هرچند، حضور میلیونی مسلمانان در این مسیر پیاده‌روی، نشان‌دهنده دلباختگی آنان نسبت به ابا عبدالله الحسین علیه السلام است، اما این موضوع به هیچ وجه، جامعه مسلمان را از بررسی‌های روایی برای یافتن مستندات فضیلت پیاده‌روی به سوی کربلا، بی‌نیاز نمی‌سازد. از این رو، پژوهشگران حوزه زیارت به ویژه در سال‌های اخیر، سعی در استخراج روایات این موضوع و تبیین آن نموده‌اند که در نتیجه این تلاش‌ها، مقالات و کتب متنوعی به رشته تحریر درآمده است. این نگاشته‌ها با توجه به شیوه استدلال و نوع نگاه به سه دسته قابل تقسیم هستند:

۱. برخی از پژوهشگران برای اثبات فضیلت زیارت با پای پیاده به عموماتی همچون «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا»^۲ و «مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَشَدَّ مِنَ الْمَشْيِ وَ لَا أَفْضَلَ»^۳ تمسک جسته‌اند. همچنین با تشخیص زیارت با پای پیاده، به‌عنوان مصداقی از عناوین «تعظیم شعائر»، «تواضع» و ... جنبه‌های دیگری از فضیلت این عمل را نیز مورد بررسی قرار داده‌اند. مقاله «حکم فقهی پیاده‌روی برای زیارت قبور اولیای الهی و اماکن مقدس»^۴ نمونه‌ای از این مقالات است.
۲. گروهی دیگر از پژوهشگران، پژوهش خود را بر ادله خاص روایی متمرکز کرده‌اند. آنها روایاتی که به‌صورت ویژه به فضیلت زیارت با پای پیاده پرداخته را جمع‌آوری و از آن به‌عنوان دلیل یا مؤید فضیلت زیارت با پای پیاده استفاده کرده‌اند. در این نگاشته‌ها، روایات فضیلت زیارت حج، مرقد امام حسین علیه السلام و مرقد امام علی علیه السلام با پای پیاده، بیشتر به چشم می‌خورد. مقالاتی همچون «فضیلت پیاده‌روی برای زیارت معصومان»^۵ و «اندر ره عشق»^۶ و کتبی همانند پیاده تا کربلا^۷ و پیاده تا عرش^۸ از این نگاشته‌هاست.
۳. برخی از پژوهشگران نیز از هر دوی این استدلال‌ها برای اثبات فضیلت زیارت با پای پیاده، بهره برده‌اند. مقالات «فقه پیاده‌روی»^۹ و «آیا پیاده‌روی برای زیارت امام حسین علیه السلام مستند دینی دارد؟»^{۱۰} در این دسته قرار می‌گیرند.

۲. برترین اعمال، سخت‌ترین آنهاست. (بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۱۹۱)

۳. خداوند با چیزی سخت‌تر و برتر از پیاده‌روی عبادت نشده است. (تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۱)

۴. نوشته مهدی درگاهی.

۵. نوشته سید عادل علوی.

۶. نوشته مهدی نیلی پور.

۷. نوشته رحمت پوریزدی.

۸. نوشته مجید دانیالی.

۹. نوشته حبیب الله عبدالواحد الساعدی.

۱۰. سایت کتابخانه مدرسه فقاقت.

این پیشینه پژوهشی با تأکید بر فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده، مورد بررسی قرار گرفت. درنهایت، مشخص شد که در نگاشته‌های گذشته، روایات فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده به صورت کامل جمع‌آوری نشده و تفاوت محتوایی این روایات از حیث محدوده مکانی فضیلت زیارت با پای پیاده، به طور جدی مورد توجه قرار نگرفته است. از این رو، موضوع فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده به منظور جمع‌آوری کامل روایات آن و جمع‌بندی محتوایی روایات و تعیین محدوده مکانی فضیلت پیاده‌روی، نیازمند تحقیق و پژوهشی دگرباره است که در این مقاله به بررسی آن خواهیم پرداخت.

در مسیر پژوهش این موضوع، ابتدا کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع، شناسایی و روایات مربوطه جمع‌آوری شد. سپس با تأمل در مجموعه این روایات به عنوان یک بسته کامل، دسته‌بندی خاصی از این روایات کشف و تنظیم گردید. ملاک نگارنده در این نوع از دسته‌بندی، میزان عمومیت روایات از حیث محدوده مکانی فضیلت پیاده‌روی است. برخی از روایات، در مورد محدوده مکانی فضیلت پیاده‌روی سکوت کردند؛ برخی فضیلت پیاده‌روی را در تمام طول مسیر سفر ثابت می‌دانند و برخی این فضیلت را تنها محدود در مکانی خاص می‌دانند. نگارنده در مقاله پیش رو، با تحلیل و بررسی دقیق الفاظ، سعی در حل این تفاوت‌ها در مفاد روایات و جمع دلالتی آنها دارد.

گزارش روایات به این شیوه است که روایاتی که در راوی متصل به معصوم و محتوا مشترک است، هر چند در متن کاملاً مشترک نباشد، در ذیل یک شماره و به نام راوی آن نام‌گذاری شده است؛ زیرا اشتراک در راوی و محتوا، بیانگر این نکته است که این روایات، همگی نقل‌های گوناگون از یک واقعه است. از میان متن‌های گوناگون این روایات مشترک، متن مربوط به اولین منبع (معتبرترین منبع از میان منابع ذکر شده در پاورقی) انتخاب شده است. روایاتی که راوی یا سند آنها مشخص نیست، تحت عنوان «مرسل» و به نام مؤلف کتاب نام‌گذاری شده است.

اعتبارسنجی روایات مورد استفاده، نه بر پایه ارزیابی سندی (شیوه متأخرین) بلکه بر مبنای اعتبارسنجی عصر حضور و دوره محدثان اولیه سامان یافته است. از این رو، به جای تأکید و تعبد بر سند روایات، بیشتر به منبع اصلی هر روایت و اعتماد محدثان بزرگ شیعه و نیز، تأیید به وسیله دیگر روایات هم‌مضمون توجه و تأکید شده است. بر این اساس، پشتوانه اعتماد نگارنده به روایات این باب، نکات زیر خواهد بود:

۱- اکثر این روایات در کتب معتبری همچون کافی، تهذیب الاحکام و کامل الزیارات درج شده است. اعتماد بزرگانی همچون مرحوم کلینی، شیخ طوسی و مرحوم ابن قولویه به این روایات می‌تواند اعتماد ما را نیز افزایش دهد.

۲- درباره زیارت امام حسین (ع) با پای پیاده، ۲۳ روایت وجود دارد. روایاتی که مضامین نزدیک‌تری به یکدیگر دارد در دسته‌های جداگانه جای‌گذاری شده‌است. تعدد روایات در هر دسته، می‌تواند اطمینان ما به صدور مضامین مربوط به آن دسته را افزایش دهد.

افزون بر نکته پیش گفته، باید افزود: حتی بر مبنای شیوه اعتبارسنجی سندمحوری نیز، می‌توان اعتماد نسبی به شاکله این روایات به‌دست آورد؛ چه اینکه با فرض وجود ضعف در سند این روایات، عمل به مضامین آن‌ها بر اساس مفاد روایات «من بلغ» جایز است.

گونه‌های روایات

می‌توان روایات دال بر فضیلت زیارت امام حسین (ع) با پای پیاده را در سه گونه روایی، سامان کرد: گونه اول، روایاتی است که به طور مطلق پیاده‌روی به سوی مرقد ابا عبدالله (ع) را مطلوب می‌شمارد و محدوده‌ای برای پیاده‌روی تعیین نمی‌کند. این گونه از روایات را «مطلق» می‌نامیم. گونه دوم روایاتی است که تصریح می‌کند پیاده‌روی به سوی مرقد امام حسین (ع) از درب منزل آغاز می‌شود. ما از این گونه با عنوان روایات «مقید به: من أهله/ من منزله» یاد می‌کنیم؛ و گونه سوم روایاتی است که دستور می‌دهد زائران از شط فرات به سوی مرقد امام حسین (ع) پیاده‌روی کنند. بر این گونه نیز عنوان روایات «مقید به: من الفرات» را اطلاق می‌کنیم.

گونه اول: روایات «مطلق»

این گونه از روایات با سه کلیدواژه «خَطْوَةٌ»، «مَاشِيًا» و «مُعَبَّرٌ» شناسایی می‌شوند و به سه دسته تقسیم می‌گردند که هر کدام از این دسته‌ها به نام کلیدواژه اصلی خود، نام‌گذاری شده است. ویژگی خاص روایات «مطلق»، نسبت به روایات «مقید به: من الفرات» و «مقید به: من أهله/ من منزله» در این است که در روایات «مطلق»، نسبت به محدوده مکانی فضیلت پیاده‌روی، هیچ تصریحی وجود ندارد. به این معنا که عمل پیاده‌روی به سوی مرقد امام حسین (ع) را مطلوب می‌شمرد و تعیین نمی‌کند که این پیاده‌روی، باید از چه نقطه‌ای آغاز شود.

دسته اول روایات مطلق: روایات «خُطْوَة»

این دسته از روایات «مطلق»، با کلیدواژه «خُطْوَة» (گام) و «خَطَا» (گام برداشت) شناسایی می‌شوند. هر چند کلیدواژه «خُطْوَة» در بیشتر روایات فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده به کار رفته است؛ اما در این دسته، ما فقط با همین کلیدواژه مواجه هستیم و تنها دستاویز ما برای رسیدن به فضیلت پیاده‌روی، همین کلیدواژه است؛ در حالی که در دسته‌های دیگر، علاوه بر این کلیدواژه، کلیدواژه‌های دیگری نیز خودنمایی می‌کند. با این ملاک، روایات «خُطْوَة» شامل هفت روایت می‌شود که عبارت‌اند از:

۱- روایت قُدَامَة بن مالک از امام صادق علیه السلام: «مَنْ أَرَادَ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام لَا أَسْرَأَ وَلَا بَطْرَأَ وَلَا رِيَاءَ وَلَا سُمْعَةً مُحْصَتَ ذَنْبُهُ كَمَا يَمَحِّصُ الثُّوبُ فِي الْمَاءِ فَلَا يَبْقَى عَلَيْهِ دَسٌّ وَيَكْتُبُ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً وَكُلُّ مَا رَفَعَ قَدَمَهُ عُمْرَةً.»^{۱۱}

۲- روایت أَبَان بن تَعْلَب از امام صادق علیه السلام: «...مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَحَمَّاعَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَيِّئَةً وَعَفَّرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ...»^{۱۲}

۳- روایت مرسل علامه حلی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که خطاب به حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: «...إِنَّ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ مِائَةٌ حَسَنَةٍ وَرُفِعَ عَنْهُ مِائَةٌ سَيِّئَةٍ...»^{۱۳}

۴- روایت مرسل ابن ابی جُمهُور از امام صادق علیه السلام: «مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً وَ عُمْرَةً وَ كَتَبَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ حَمَّاعَهُ بِهَا سَيِّئَةً وَ رَفَعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةً.»^{۱۴}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز باطني و معنوي

۱۱. هر کس قصد زیارت حسین علیه السلام را داشته باشد، نه از روی سرمستی و نه از روی خودنمایی، گناهانش پاک می‌شود، همان‌طور که لباس در آب پاک می‌گردد؛ در نتیجه هیچ آلودگی بر او باقی نمی‌ماند و خداوند برای او به ازای هر گام، ثواب یک حج و به ازای هر قدم که از زمین بلند می‌کند، ثواب یک عمره می‌نویسد. (تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۴؛ کامل الزیارات، ص ۱۴۴؛ کتاب المزار (مفید)، ص ۳۶؛ المزار الكبير، ص ۲۴۴؛ جامع الاخبار، ج ۱، ص ۲۳؛ عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۳۰۴)

۱۲. هر کس حسین علیه السلام را زیارت کند، خداوند برای او به ازای هر گام، یک عمل نیک ثبت می‌کند و یک عمل ناپسند را محو می‌گرداند و گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد... (کامل الزیارات، ص ۳۳۱)

۱۳. همانا هر کس پسر حسین علیه السلام را زیارت کند، به ازای هر گام، صد عمل نیک برایش نوشته می‌شود و صد عمل ناپسند از نامه اعمالش پاک می‌گردد... (نهج الحق و کشف الصدق، ج ۱، ص ۴۳۲؛ عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۱۹۹)

۱۴. هر کس قبر حسین علیه السلام را از زیارت کند، خداوند به ازای هر گام، ثواب یک حج و یک عمره برایش می‌نویسد، یک عمل نیک در نامه اعمالش ثبت می‌کند و یک عمل ناپسند را محو می‌گرداند و مقامات معنوی او را یک درجه افزایش می‌دهد. (عوالی اللئالی، ص ۴، ص ۸۲)

۵- روایت حَرْتِ [خَارْتِ] بن مُعْبِرَةَ از امام صادق علیه السلام: «...إِنَّ اللَّهَ مَلَائِكَةٌ مُّوَكَّلِينَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا هُمْ بِزِيَارَتِهِ الرَّجُلُ أَعْطَاهُمُ اللَّهُ ذُنُوبَهُ فَإِذَا خَطَا مَحْوَهَا ثُمَّ إِذَا خَطَا صَاعَفُوا لَهُ حَسَنَاتِهِ فَمَا تَزَالُ حَسَنَاتُهُ تَصَاعَفُ حَتَّى تُوجِبَ لَهُ الْجَنَّةَ ثُمَّ أَكْتَفَوْهُ وَقَدَّسُوهُ وَيَنَادُونَ مَلَائِكَةَ السَّمَاءِ أَنْ قَدَّسُوا زُورًا [حَبِيبِ] اللَّهِ فَإِذَا اغْتَسَلُوا نَادَاهُمْ مُحَمَّدٌ ﷺ يَا وَفَدَ اللَّهُ أَبَشِرُوا بِمِرَافَقَتِي فِي الْجَنَّةِ...»^{۱۵}

۶- روایت سَدِير صَيْرَفِي از امام صادق علیه السلام: «كُنَّا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَكَرَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَنَا عَبْدٌ فَخَطَا خُطْوَةً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَحَطَّ عَنْهُ سَيِّئَةٌ.»^{۱۶}

۷- روایت عَبْدِ اللَّهِ بن مُسْكَانٍ از امام صادق علیه السلام: «مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ شَيْعَتِنَا لَمْ يَرْجِعْ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُ كُلُّ ذَنْبٍ وَ يَكْتَبَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَاهَا وَ كُلُّ يَدٍ رَفَعْتَهَا دَابَّتْهُ أَلْفُ حَسَنَةٍ وَ مِجَى عَنْهُ أَلْفُ سَيِّئَةٍ وَ تُرْفَعُ لَهُ أَلْفُ دَرَجَةٍ.»^{۱۷}

این روایات برای کسی که به زیارت امام حسین علیه السلام می‌رود، به‌ازای هر گام ثوابی را در نظر گرفته است. ظهور اولیه این روایات، ثواب‌های یاد شده را مشخصاً برای کسی که پیاده به زیارت امام حسین علیه السلام بیاید ثابت می‌داند. از طرفی، با توجه به عام و مطلق بودن این روایات که خود را در عباراتی همچون «بِكُلِّ خُطْوَةٍ» نشان می‌دهد، می‌توان ظهور اولیه آنها را در تمام طول مسیر، ثابت دانست؛ زیرا از حیث مکان، هیچ محدوده‌ای برای ثواب گام‌ها، بیان نمی‌کند.

۱۵. همانا خداوند بر سر مزار امام حسین علیه السلام، فرشتگانی دارد که مأموریتی دارند. پس هنگامی که فرد، تصمیم به زیارت او می‌گیرد، خداوند گناهانش را به آن فرشتگان می‌دهد، سپس همین که به سوی مزار امام حسین علیه السلام گام برداشت، گام‌به‌گام حسناتش را اضافه می‌کند، پس مدام به حسناتش اضافه می‌شود تا اینکه بهشت بر او واجب می‌گردد. سپس فرشتگان، او را در بر می‌گیرند و تقدیس می‌کنند و ندا سرمی‌دهند: ای فرشتگان آسمان! زوار حبیب خدا را تقدیس کنید. سپس هنگامی که غسل کنند، حضرت محمد ﷺ به آنها ندا می‌دهد: «ای مسافران خدا! شمارا بشارت باد به همراهی من در بهشت... (کامل الزیارات، ص ۱۳۲ و ۱۵۲؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۹۱؛ المزار الکبیر، ص ۳۲۹؛ جامع الاخبار، ج ۱، ص ۲۶)

۱۶. نزد امام باقر علیه السلام بودیم که جوانی از مزار امام حسین علیه السلام یاد کرد. پس امام باقر علیه السلام فرمودند: هیچ بنده‌ای به سوی او نمی‌رود و گامی بر نمی‌دارد مگر اینکه خداوند برایش عمل نیکی را ثبت و عمل ناپسندی را محو می‌کند. (کامل الزیارات، ص ۱۳۴)

۱۷. هر کس از میان شیعیان ما امام حسین علیه السلام را زیارت کند، از این سفر باز نمی‌گردد تا اینکه تمام گناهانش آمرزیده شود و برای او به‌ازای هر قدمی که برمی‌دارد و هر دستی که چهارپایش از زمین بلند می‌کند، هزار عمل نیک، ثبت می‌شود و هزار عمل ناپسند، محو می‌گردد و هزار درجه به مقامات معنویش افزوده می‌گردد. (کامل الزیارات، ص ۱۳۴)

در مورد روایت حرث بن مُعیره، قرائنی وجود دارد که می‌تواند این ظهور را تقویت کند. در این روایت، عبارت «فَإِذَا خَطَا مَحْوَهَا» با حرف فاء بر عبارت «فَإِذَا هَمَّ بِزِيَارَتِهِ» عطف شده است. این نکته به این معناست که زائر، بلافاصله پس از اینکه تصمیم به زیارت می‌گیرد، اولین قدم را برمی‌دارد. نکته دیگر اینکه در ادامه، عمل غسل، پس از پیاده‌روی زائر وارد شده است. از طرفی، طبق روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَاتِ» که در ادامه خواهد آمد، زائر زمانی غسل می‌کند که به رود فرات رسیده است؛ پس انتهای مسیر پیاده‌روی رود فرات است. در نتیجه طبق روایت حرث، زائر حداقل بین زمانی که تصمیم به زیارت می‌گیرد و زمانی که به رود فرات می‌رسد را پیاده‌روی می‌کند.

از میان روایات این دسته، روایت عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانٍ نیز نیازمند توضیح است. در این روایت در عبارت «لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَايَا وَكُلٌّ يَدِرُ رَعَتَهَا دَابَّتُهُ»، علاوه بر گام‌های زائر، در مورد گام‌های چهارپای او نیز سخن به میان آمده است. ممکن است این احتمال به ذهن برسد که این روایت با بیان ثوابی یکسان برای زیارت پیاده و سواره، دلالت دارد بر اینکه زیارت پیاده برتر از زیارت سواره نیست. در پاسخ به این احتمال باید گفت که نبود برتری میان دو عمل از یک جهت، مانع از برتری یکی بر دیگری از جهات دیگر نمی‌شود. به عبارت دیگر، این روایت در مقام مقایسه بین این دو شیوه زیارت نیست؛ از این رو، نپرداختن به تفاوت‌های میان آن‌ها، به این معنی نیست که هیچ تفاوتی میان آن‌ها وجود ندارد.

بررسی شمولیت واژه «خُطْوَةٌ» بر گام‌های انسان و چهارپا

ممکن است این سوال مطرح شود که آیا منظور از «خُطْوَةٌ» (گام)، صرفاً گام‌های انسان است یا گام‌های چهارپا را نیز شامل می‌شود؟ با بررسی کاربری این واژه در احادیث، به این نتیجه می‌رسیم که این واژه، فقط برای گام‌های انسان استعمال نمی‌شود. بلکه اگر شخصی با چهارپا، مسیری را طی کند نیز کلمه «خُطْوَةٌ» برای گام‌های آن چهارپا به کار برده می‌شود.

به عنوان نمونه در روایتی از هارون بن موسی در مورد مرکب امام رضا علیه السلام این عبارت آمده است: «فَمَرَّ الْفَرَسُ يَتَخَطَّى»؛^{۱۸} یا در نقل ابن مشهدی از روایت ابن ثوبیر در ارتباط با ثواب زیارت امام حسین علیه السلام آمده است: «...وَإِنْ كَانَ رَاكِبًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً...»؛^{۱۹} همچنین ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ حَاجِبًا لَا يَخْطُو خُطْوَةً وَلَا تَخْطُو

۱۸. پس اسب حرکت کرد در حالی که گام برمی‌داشت. (مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۳۳۴)

۱۹. ... و اگر سواره باشد، خداوند برای او به ازای هر گام، یک عمل نیک ثبت می‌کند... (المزار الکبیر، ص ۳۴۰)

بِهِ رَاحِلَتُهُ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا حَسَنَةً وَ...»^{۲۰} در تمام این موارد، ریشه‌ی «خطو» برای گام‌های چهارپا استعمال شده است. بنابراین می‌توان گفت معنای کلیدواژه «خُطُوَة»، اعم از گام‌های انسان و چهارپاست و تنها با این کلیدواژه نمی‌توان چنین روایاتی را حمل بر پیاده‌روی کرد. با این وجود، قرائنی وجود دارد که مراد از کلیدواژه «خُطُوَة» در این روایات، منحصر به گام‌های انسان است. این قرائن بدین شرح است:

- ۱- جمله «يَكْتُبُ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً وَ كُلِّ مَا رَفَعَ قَدَمَهُ عُمْرَةً» در روایت قَدَمَة، دارای دو فقره است. در فقره اول برای گذاشتن هر گام، ثواب یک حج و در فقره دوم برای برداشتن آن، ثواب یک عمره لحاظ شده است. فقره دوم این عبارت بی تردید، مربوط به قدم‌های شخص زائر است؛ زیرا ضمیر در کلمه «قَدَمَة» به شخص زائر برمی‌گردد و ثواب عمره، مربوط به برداشتن گام توسط خود زائر است، نه چهارپای او. از طرفی، با توجه به ارتباط معنایی تنگاتنگ میان این دو فقره، بدون شک گذاشتن و برداشتن گام، مربوط به یک مصداق است. بنابراین در فقره اول نیز منظور از گذاشتن گام، گام‌های زائر است. در نتیجه، معنای کلمه «خُطُوَة» در فقره اول منحصرأ به معنای قدم‌های زائر خواهد بود.
- ۲- کلیدواژه «خُطُوَة» در برخی از روایات با فعل «خَطَا» همراه شده است. فعلی که فاعلش، تنها زائر است و نه مرکب او. در نتیجه، عمل گام برداشتن را فقط به شخص زائر نسبت می‌دهد.
- ۳- در دسته روایات «ماشياً»، که در ادامه خواهد آمد، وجود کلیدواژه «ماشياً» در کنار کلیدواژه «خُطُوَة»، معنای آن را برای گام‌های انسان، منحصر می‌سازد.
- ۴- در روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَاتِ»، که در ادامه خواهد آمد، در کنار کلیدواژه «خُطُوَة» از بابرهنه بودن و قدم‌های کوتاه، سخن به میان آورده است. با توجه به این مضامین، معنای «خُطُوَة» در گام‌های انسان، انحصار دارد.
- ۵- از میان ۱۲ روایتی که کلیدواژه «خُطُوَة» در آن‌ها به کار رفته است، ۷ روایت با قرائنی همراه است که کلیدواژه خطوه را به گام‌های انسان تفسیر می‌کند. همچنین در برخی از روایات این باب که هم‌مضمون با روایات «خُطُوَة» است، به وسیله کلیدواژه «قَدَم» و ... سخن از گام‌های انسان مطرح شده است. آن ۷ روایت به همراه این روایات «قَدَم»، به‌عنوان قرینه منفصله، معنای کلیدواژه «خُطُوَة» در سایر روایات را روشن می‌سازد.

۲۰. همانا بنده مؤمن، هنگامی که به‌منظور حج از خانه‌اش خارج می‌شود، قدمی بر نمی‌دارد و چهارپایش او را قدمی بیش نمی‌برد، مگر اینکه خداوند برای او به ازای آن قدم، یک عمل نیک ثبت می‌کند... (البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۴۰)

دسته دوم روایات مطلق: روایات «ماشیا»

این دسته از روایات «مطلق»، با کلیدواژه «ماشیا» (پیاده) از دسته‌های دیگر تمیز داده می‌شود. محور استدلال در این روایات، کلیدواژه «ماشیا» است و کلیدواژه‌های دیگر نقش محوری ندارند. با اینکه کلیدواژه «ماشیا» در برخی از روایات «مقید به: مِنْ أَهْلِهِ / مِنْ مَنْزِلِهِ» نیز وجود دارد، اما محوری نبودن این کلیدواژه در آن روایات، باعث می‌شود که آن‌ها را در دسته روایات «ماشیا» جای ندهیم. این دسته، شامل دو روایت است:

۱- روایت علی بن میمون صائغ از امام صادق علیه السلام: «يَا عَلِيُّ زُرِ الْحُسَيْنَ وَلَا تَدَعَهُ قَالَ قُلْتُ مَا لِمَنْ آتَاهُ مِنَ الثَّوَابِ قَالَ مَنْ آتَاهُ مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَحَيَّ عَنْهُ سَيِّئَةٌ وَرَفَعَ لَهُ دَرَجَةً...»^{۲۱}

۲- روایت ابی سعید قاضی از امام صادق علیه السلام: «دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي غُرْفَتِهِ لَهُ وَعِنْدَهُ مُرَازِمٌ فَسَوَّعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ وَ بِكُلِّ قَدَمٍ يَرْفَعُهَا وَيَضَعُهَا عَتَقَ رَقَبَةً مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ وَ مَنْ آتَاهُ بِسَفِينَتِهِ فَكَفَّتْ بِهِمْ سَفِينَتُهُمْ نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ طِبْتُمْ وَ طَابَتْ لَكُمْ الْجَنَّةُ.»^{۲۲}

در این دسته از روایات، قید «ماشیا» یک قید احترازی است و به روشنی بر فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده دلالت می‌کند. به خصوص در روایت علی بن میمون، که راوی به طور کلی در مورد ثواب زیارت امام حسین علیه السلام سؤال کرده است، اما امام با قید «ماشیا» پاسخش را می‌دهند.

۲۱. ای علی! حسین علیه السلام را زیارت کن و او را رها نکن! [علی بن میمون] گفت گفتیم: برای کسی که به سوی او بیاید چه ثوابی است؟ حضرت فرمود: «هر کس با پای پیاده به سوی او بیاید، خداوند برای او به ازای هر گام، یک عمل نیک ثبت می‌کند و یک عمل ناپسند را محو می‌سازد و یک درجه به درجات معنویش می‌افزاید... (کامل الزیارات، ص ۱۳۳)

۲۲. بر امام صادق علیه السلام در غرفه کوچکشان وارد شدم در حالی که مرزوم نیز آنجا بود. پس شنیدم که ابی عبدالله می‌فرمودند: هر کس پیاده به مزار حسین علیه السلام بیاید، خداوند به ازای هر گام و هر قدمی که برمی‌دارد و می‌گذارد، ثواب آزادی برده‌ای از فرزندان اسماعیل را ثبت می‌کند و هر کس با کشتی به آنجا بیاید و کشتی، آنها را به آب افکند، منادی از آسمان ندا سرمی‌دهد: خوشا به حالتان و بهشت گوارایتان باد. (کامل الزیارات، ص ۱۳۴)

لفظ عموم در عبارت «بِكُلِّ خُطْوَةٍ»، بر شمولیت این روایت بر فضیلت پیاده‌روی در تمام طول مسیر، دلالت دارد و تمام گام‌هایی که در این مسیر برداشته می‌شود، از درب منزل تا مرقد مطهر، از ثواب یاد شده برخوردار است. البته در روایت ابی سعید قاضی، قرینه‌ای وجود دارد که این ظهور را تقویت می‌کند. این روایت از دو فقره تشکیل شده است. فقره اول در ارتباط با سفر با پای پیاده است و فقره دوم در مورد سفر با کشتی سخن می‌گوید. فقره دوم (سفر با کشتی) صراحتاً در مورد طول مسیر سفر به کربلا صحبت می‌کند. این خود قرینه‌ای است که نشان می‌دهد فقره اول (سفر پیاده) نیز تمام طول مسیر را شامل می‌شود.

دسته سوم روایات مطلق: روایات «مُعَبَّر»

در روایات این دسته، ریشه‌های «شَعَثَ» و «عَبَّرَ» هر دو به چشم می‌خورد. این دسته شامل سه روایت است:

- ۱- روایت علی بن حکم از یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نقل از آن حضرت: «إِذَا أَرَدْتَ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرْزُهُ وَأَنْتَ حَزِينٌ مَكْرُوبٌ شَعِثٌ مُعَبَّرٌ جَائِعٌ عَطْشَانٌ وَسَلُّهُ الْحَوَائِجَ وَانصِرِفْ عَنْهُ وَلَا تَتَّخِذْهُ وَطْناً.»^{۲۳}
- ۲- روایت کرام بن عمرو از امام صادق علیه السلام: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرْزُهُ وَأَنْتَ كَيْبٌ حَزِينٌ شَعِثٌ مُعَبَّرٌ فَإِنَّ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُتِلَ وَهُوَ كَيْبٌ حَزِينٌ شَعِثٌ مُعَبَّرٌ جَائِعٌ عَطْشَانٌ.»^{۲۴}
- ۳- روایت مُفَضَّل بن عُمَر از امام صادق علیه السلام: «... تَاللَّهِ إِنْ أَحَدَكُمْ لِيَذْهَبُ إِلَى قَبْرِ أَبِيهِ كَيْبًا حَزِينًا وَتَأْتُوهُ أَنْتُمْ بِالسَّفَرِ كَلَّا حَتَّى تَأْتُوهُ [تَأْتُوهُ] شُعْثًا غَيْرًا.»^{۲۵}

۲۳. هنگامی که تصمیم به زیارت حسین علیه السلام گرفتی، پس او را زیارت کن در حالی که غمگین، ناراحت، پریشان‌موی، غبار آلود، گرسنه و تشنه باشی و نیازهایت را درخواست کن و برگرد و آنجا را به‌عنوان وطن، انتخاب نکن. (کافی، ج ۴، ص ۵۸۷؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۷۶؛ کامل‌الزیارات، ص ۱۳۱؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۸۸؛ المزار الکبیر، ص ۳۶۹؛ کتاب‌الغزار (مفید)، ص ۶۹)

۲۴. هنگامی که آهنگ مزار حسین علیه السلام را کردی، پس او را زیارت کن در حالی که ناراحت، غمگین، پریشان‌موی و غبار آلود باشی که همانا حسین علیه السلام کشته شد در حالی که ناراحت، غمگین، پریشان‌موی، غبار آلود، گرسنه و تشنه بود. (کامل‌الزیارات، ص ۱۳۱)

۲۵. ...به خدا قسم همانا یکی از شما که به زیارت قبر پدرش می‌رود، ناراحت و غمگین است، در حالی که شما با سفرها به زیارت او (حسین علیه السلام) می‌آید. هرگز این‌گونه زیارت نکنید! بلکه پریشان‌موی و غبار آلود به سویش بیایید. (کامل‌الزیارات، ص ۱۳۰؛ المزار الکبیر، ص ۳۶۹)

کلیدواژه «مُعَبَّرٌ، عُبراً» به معنای غبارآلود است. غبارآلود شدن در زمان‌های قدیم، علاوه بر سفرهای پیاده، در سفرهای سوار بر مرکب نیز حاصل می‌شده است. مؤید این نکته، روایتی است که از امام صادق علیه السلام در مورد زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام با پای پیاده وارد شده است. در بخشی از این روایت آمده است:

مَا يَطْعُمُ اللَّهُ النَّارَ قَدَمًا أَعْبَرَتْ فِي زِيَارَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام مَا شِئًا كَانَ أَوْ رَاكِبًا. ۳۶

بر اساس این عبارت، چه سواره و چه پیاده، در هر دو صورت پای زائر می‌تواند غبارآلود شود.

کلیدواژه‌های «شَعِثٌ»، «جَائِعٌ» و «عَطْشَانٌ» به ترتیب به معنای پریشان‌موی، گرسنه و تشنه است. پریشان‌مویی، گرسنگی و تشنگی نیز در سفرهای طولانی حاصل می‌شده است، حتی اگر آن سفر با مرکب صورت گرفته باشد؛ لذا این کلیدواژه‌ها نیز به‌طور خاص، دلالتی بر پیاده‌روی ندارد.

با توجه به مطالب پیش گفته، هرچند دلالت این دسته روایات بر فضیلت پیاده روی، در ابتدا قابل پذیرش نیست، چون غبارآلود شدن، پریشان‌مویی، گرسنگی و تشنگی در سفر با مرکب هم حاصل می‌شده است، ولی با تطبیق بر سفرهای امروزی، این عناوین چهارگانه، به‌خصوص عنوان «مُعَبَّرٌ»، بیش از هر چیز در سفرهای پیاده مصداق پیدا می‌کند؛ زیرا سفر با مرکب در روزگار کنونی مرسوم نیست و از طرفی محقق شدن این عناوین در سفر با وسایل نقلیه در اکثر موارد محقق نمی‌گردد. در نتیجه روایات دسته «مُعَبَّرٌ»، هرچند مستقیماً در رابطه با پیاده‌روی سخن نمی‌گویند؛ اما مصداق آن در عصر حاضر، زیارت با پای پیاده است.

هرچند ظهور این روایات، مطلق است و هیچ قیدی نسبت به محدوده مسیر زیارت بیان نمی‌کند، اما پیاده‌روی از مسیرهایی که خیلی به حرم نزدیک است (مانند نهر علقمه)، نمی‌تواند غبارآلودگی، پریشان‌مویی، گرسنگی و تشنگی را در زائر پدید بیاورد؛ پس محدوده پیاده‌روی باید فاصله قابل اعتنایی را دربرگیرد.

۳۶... خداوند به قدمی که در راه زیارت امیر المؤمنین علیه السلام، غبارآلود شده است، چه پیاده بوده باشد و چه سواره، طعم آتش را نمی‌چشاند... (تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۱)

گونه دوم: روایات «مقید به: مِنْ أَهْلِهِ / مِنْ مَنْزِلِهِ»

کلیدواژه‌های «مِنْ أَهْلِهِ» (از خانواده‌اش)، «مِنْ مَنْزِلِهِ» (از خانه‌اش) و «مِنْ بَابِ مَنْزِلِهِ» (از در خانه‌اش) وجه تمایز اصلی این روایات با روایات «مطلق» است. این گونه، دارای سه روایت است:

۱- روایت بشیر دَهَّان از امام صادق علیه السلام: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَخْرُجُ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَهُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ بِأَوَّلِ خُطْوَةٍ مَغْفِرَةٌ ذُنُوبِهِ ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَقْدَسُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَتَّى يَأْتِيَهُ...»^{۲۷}

۲- روایت حسین بن ثُوَیر بن اَبی فَاخْتَه از امام صادق علیه السلام: «...مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يَرِيدُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنْ كَانَ مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَحَطَّ بِهَا عَنْهُ سَيِّئَةٌ حَتَّى إِذَا صَارَ بِالْحَائِرِ...»^{۲۸}

۳- روایت جَابِر جُعْفَى از امام صادق علیه السلام: «...إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لَيَأْخُذُ فِي جِهَارِهِ وَبَيْتِهِمَا لِيُزِيَرْتَهُ فَيَتَبَاشَّرُ بِهِ أَهْلَ السَّمَاءِ فَإِذَا خَرَجَ مِنْ بَابِ مَنْزِلِهِ رَاكِبًا أَوْ مَاشِيًا وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يُوَافِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ...»^{۲۹}

در این روایات، تصریح شده است که پیاده‌روی از همان ابتدای خروج از منزل آغاز می‌شود. روایات بشیر دَهَّان و حسین بن ثُوَیر، فضیلت ویژه‌ای را برای پیاده‌روی بیان می‌کند اما روایت جَابِر جُعْفَى، چون ثواب یکسانی را برای زیارت سواره و پیاده ذکر کرده است، نمی‌تواند فضیلت پیاده‌روی را ثابت کند؛^{۳۰} بنابراین تمام صحبت ما در این دسته از روایات، مربوط به روایات بشیر دَهَّان و حسین بن ثُوَیر است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲۷. همانا شخص که به‌سوی مزار حسین علیه السلام می‌رود، هنگامی که از خانواده‌اش جدا می‌شود، به ازای اولین قدمی که برمی‌دارد، گناهایش آمرزیده می‌شود؛ سپس مدام به ازای هر گام تقدیس می‌شود تا اینکه به مقصد می‌رسد... (کامل الزیارات، ص ۱۳۲ و ص ۱۵۲؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۹۱؛ کتاب المزار (مفید)، ص ۳۱؛ المزار الکبیر، ص ۳۴۲؛ جامع الاخبار، ج ۱، ص ۲۵)

۲۸. ...کسی که به قصد زیارت حسین بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام از خانه‌اش خارج شود، اگر پیاده باشد، خداوند برای او به ازای هر گام، یک عمل نیک ثبت می‌کند و یک عمل ناپسند را محو می‌گرداند تا اینکه به حائر برسد... (تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۳؛ کامل الزیارات، ص ۱۳۲؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۹۱؛ کتاب المزار (مفید)، ص ۳۰؛ المزار الکبیر، ص ۳۳۹؛ جامع الاخبار، ج ۱، ص ۲۵)

۲۹. ...همانا فردی از بین شما که اسباب برمی‌گیرد و برای سفر زیارت آماده می‌شود، پس اهل آسمان نیز با او همراه می‌شوند. سپس هنگامی که از درب خانه خارج شد چه سواره باشد و چه پیاده، خداوند چهار هزار فرشته را محافظ او قرار می‌دهد در حالی که بر او درود می‌فرستد تا اینکه به مزار حسین علیه السلام برسد... (کامل الزیارات، ص ۲۰۵؛ المزار الکبیر، ص ۴۳۴)

۳۰. گفتنی است این روایت، یکسان بودن زیارت سواره و پیاده را از جمیع جهات اثبات نمی‌کند؛ بنابراین خدشه‌ای به دلالت دیگر روایات وارد نخواهد کرد.

ممکن است این سؤال به ذهن برسد که آیا این فضیلت، فاصله‌های خیلی دور را هم شامل می‌شود یا صرفاً مربوط به اهالی کربلا و شهرها و روستاهای نزدیک است. در پاسخ باید گفت ظهور اولیه این روایات تمام شیعیان و محبان حضرت را شامل می‌شود؛ زیرا روایات این دسته و دسته‌های دیگر، با عباراتی مانند «مَنْ آتَى»، «مَنْ زَارَ» و... عام است و محدود کردن آن به اهالی یک شهر خاص، خلاف ظاهر است؛ بر فرض اراده خلاف ظاهر، لاجرم دلالت این روایات، یا محدود به اهالی شهر راوی یا محدود به اهالی شهر محل صدور روایت است. بررسی‌های نگارنده نشان می‌دهد که در هردوی این احتمالات، شهر مبدأ، فاصله زیادی تا کربلا دارد.^{۳۱}

گونه سوم: روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَاتِ»

ویژگی متمایز کننده روایت «مقید به: مِنَ الْفُرَاتِ» (از رود فرات) نسبت به روایات قبل، این است که این گونه از روایات، فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده را در حدفاصل بین رود فرات تا مرقد مطهر، بیان کرده است. این گونه، دارای هشت روایت است که حجم قابل توجهی را نسبت به دسته‌های قبل به خود اختصاص داده است. این روایات عبارت است از:

۳۱. الف) بررسی اهلیت راویان: راویان این دو روایت که مخاطبان اولیه امام صادق علیه السلام هستند، هردو کوفی بوده‌اند. رجال شیخ رجال برقی تصریح دارد که بشیر دَهَّان کوفی است (رجال الطوسی، اصحاب ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، باب الباء، ص ۱۶۹، ش ۱۹۶۵؛ الرجال برقی، اصحاب ابی عبدالله جعفر بن مُحَمَّد علیه السلام، اصحاب ابی عبدالله علیه السلام، ص ۴۶)؛ اما ذیل عنوان حُسن بن ثُوَیر در این باره نکته‌ای وارد نشده است. با این حال، قرائنی وجود دارد که کوفی بودن حُسن بن ثُوَیر را نیز ثابت می‌کند؛ اولاً بیشتر شاگردان او اهل کوفه بوده‌اند. از بین آنها می‌توان به حُسن بن راشد (الفهرست طوسی، باب الحاء، باب الحسن، ص ۱۳۷، ش ۲۰۰)، حَبِیری بن علی الطَّحَّان (رجال النجاشی، باب الخاء، ص ۱۵۴، ش ۴۰۸) و مُحَمَّد بن الحُسن بن ابی الحَطَّاب (الفهرست طوسی، باب المیم، باب مُحَمَّد، ص ۴۰۰، ش ۶۰۸) اشاره کرد؛ ثانیاً نجاشی نسبت به کوفی بودن پدر او (ثُوَیر بن ابی فاخته) تصریح کرده است؛ (رجال النجاشی، باب التاء، ص ۱۱۸، ش ۳۰۳) در نتیجه حُسن بن ثُوَیر نیز کوفی محسوب می‌شود. بر این اساس، این احتمال شکل می‌گیرد که مخاطب عام این روایات اهالی کوفه باشند که حدود ۸۰ کیلومتر تا کربلا فاصله دارد. در نتیجه، دلالت این روایات نمی‌تواند محدود به اهالی کربلا و مسیرهای نزدیک باشد.

ب) بررسی محل صدور روایات: این روایات که هردو از امام صادق علیه السلام نقل شده، به احتمال قوی در شهر مدینه یا مکه صادر شده است. زیرا بیشتر روایات حضرت صادق علیه السلام یا در حوزه علمیه آن حضرت که در مدینه واقع شده بود بیان شده یا در سفر حج که محل اجتماع مسلمانان بوده است. احتمالاً بشیر دَهَّان و حُسن بن ثُوَیر نیز به منظور فراگیری علم دین از شهرهای خود به مدینه یا مکه، سفر کرده بودند. احتمال دیگری نیز وجود دارد. شاید امام صادق علیه السلام در سفری که برای ملاقات با حاکم وقت به کوفه داشته‌اند، این روایات را بیان فرموده باشند. با توجه به اینکه نظارت شدید مأموران حکومتی باعث می‌شد که نقل و انتقالات حدیثی به سختی صورت گیرد، این احتمال، ضعیف است. به هر حال، هر کدام از این احتمالات را بپذیریم، محل صدور این روایات، چه مدینه و مکه باشد و چه کوفه، دلالتش محدود به مسیرهای کوتاه نیست.

۱- روایت بشیر دهنان از امام صادق علیه السلام: «...إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَرَفَةَ وَ اغْتَسَلَ مِنَ الْفُرَاتِ ثُمَّ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً بِمَنَاسِكَهَا وَ لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ وَ عَزْوَةٌ»^{۳۲}

۲- روایت حسین بن سعید از امام صادق علیه السلام: «... مَنِ اغْتَسَلَ فِي الْفُرَاتِ ثُمَّ مَشَى إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ يَرْفَعُهَا وَ يَضَعُهَا حَجَّةً مُتَقَبَّلَةً بِمَنَاسِكَهَا»^{۳۳}

۳- روایت رفاعه بن نخاس از امام صادق علیه السلام: «أَخْبَرَنِي أَبِي أَنَّ مَنْ خَرَجَ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ غَيْرَ مُسْتَكْبِرٍ وَ بَلَغَ الْفُرَاتَ وَ وَقَعَ فِي الْمَاءِ وَ خَرَجَ مِنَ الْمَاءِ كَانَ مِثْلَ الَّذِي يُخْرُجُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ إِذَا مَشَى إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَفَعَ قَدَمًا وَ وَضَعَ أُخْرَى كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ»^{۳۴}

۴- روایت صفوان از امام صادق علیه السلام در بیان اعمال زیارت امام حسین علیه السلام: «...فَإِذَا أَتَيْتَ الْفُرَاتَ يَعْنِي شَرِيعَةَ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْعَلْقَمِيِّ فَقُلْ ... ثُمَّ اغْتَسِلْ مِنَ الْفُرَاتِ ... فَإِذَا فَرَعْتَ مِنْ غُسْلِكَ فَالْبَسْ ثَوْبَيْنِ طَاهِرَيْنِ وَ صَلِّ رُكْعَتَيْنِ خَارِجِ الشَّرْعَةِ ... فَإِذَا فَرَعْتَ مِنْ صَلَاتِكَ فَتَوَجَّهْ نَحْوَ الْحَائِزِ وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَفَارُ وَ قَصِّرْ خَطَاكَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَكْتُبُ لَكَ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً وَ عُمْرَةً...»^{۳۵}

۳۲. ...همانا مؤمن، زمانی که در روز عرفه به مزار حسین علیه السلام آمد و در رود فرات غسل کرد و سپس رو به سوی مرقد کرد، خداوند برای او به ازای هر گام، ثواب یک حج یا تمام مناسکش را ثبت می‌کند و [بشیر می‌گوید] نمی‌دانم شاید حضرت عبارت «و عزوة» (ثواب جنگی در رکاب پیامبر) را نیز به آن افزودند. (کافی، ج ۴، ص ۵۸۰؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۰؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۵؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۸۹؛ کامل الزیارات، ص ۱۶۹؛ الامالی (صدوق)، ص ۱۴۳؛ الامالی (طوسی)، ص ۲۰۱؛ المزار الکبیر، ص ۳۲۸؛ اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۳۲؛ مصباح المتبهد، ج ۲، ص ۷۱۵)

همین روایت با تفاوت قابل توجهی در نقل، در این کتب، درج شده است: تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۰؛ کامل الزیارات، ص ۱۷۱؛ کتاب المزار (مفید)، ص ۴۸؛ جامع الاخبار، ج ۱، ص ۲۵.

۳۳. هرکس در فرات غسل کند، سپس به سوی قبر حسین علیه السلام پیاده‌روی کند، برای اوست به ازای هر گامی که برمی‌دارد و می‌گذارد، یک حج مقبول یا تمام مناسک آن. (تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۳)

۳۴. پدرم بر من روایت کرد که هرکس به سوی قبر حسین علیه السلام برود، در حالی که حق او را می‌شناسد و استکبار نمی‌ورزد، و به رود فرات برسد و خود را در آب بیندازد و از آب خارج شود، مانند کسی است که از گناهان خارج شده است؛ و هنگامی که به سوی حسین علیه السلام پیاده‌روی کند و گام بردارد و گام بگذارد، خداوند برای او ده عمل نیک ثبت می‌کند و ده عمل ناپسند از او پاک می‌گرداند. (تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۲؛ کامل الزیارات، ص ۱۸۷)

۳۵. پس هنگامی که به فرات رسیدی (یعنی شریعه‌ای که امام صادق علیه السلام آن را علقمی نام نهادند) پس بگو... سپس در رود فرات غسل کن... پس زمانی که از غسلت فارغ شدی پس دو لباس پاکیزه بپوش و در کنار شریعه، دو رکعت نماز به جا آور... پس

۵- روایت ابی حمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام در بیان اعمال زیارت امام حسین علیه السلام: «...فَإِذَا آتَيْتَ الْفُرَاتَ فَقُلْ قَبْلَ أَنْ تَعْبُرَهُ... ثُمَّ اغْبِرِ الْفُرَاتَ وَقُلْ... ثُمَّ تَأْتِي النَّيْوَی فَتَضَعُ رُحْلَكَ بِهَا وَ لَا تَدَّهِنَ وَ لَا تَكْتَحِلَ وَ لَا تَأْكُلِ اللَّحْمَ مَا دُمْتَ مُقِيمًا بِهَا ثُمَّ تَأْتِي الشَّطْبَ بِحِدَاءٍ نَحْلِ الْقَبْرِ وَ اغْتَسِلَ وَ عَلَيْكَ الْوَقَارُ وَقُلْ وَ أَنْتَ تَغْتَسِلُ... فَإِذَا أَرَدْتَ الْمَشَى فَقُلْ... ثُمَّ امْشِ حَافِيًا وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ...»^{۳۶}

۶- روایت مرسل ابن مشهدی در بیان اعمال زیارت امام حسین علیه السلام: «فَإِذَا وَرَدْتَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ أَرْضَ كَرْبَلَاءَ فَانْزِلْ مِنْهَا بِشَاطِئِ الْعَلْقَمِيِّ، ثُمَّ اخْلَعْ ثِيَابَ سَفْرِكَ، وَ اغْتَسِلْ مِنْهُ... فَإِذَا فَرَعْتَ مِنَ الْغُسْلِ فَالْبَسْ مَا طَهَّرَ مِنْ ثِيَابِكَ، ثُمَّ تَوَجَّهْ إِلَى الْمَشْهَدِ عَلَى سَاكِنِهِ السَّلَامِ، وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ، وَ أَنْتَ مُتَّحِفٍ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ...»^{۳۷}

۷- روایت ابی صامیت از امام صادق علیه السلام: «...مَنْ آتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام مَا شِئًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ فَإِذَا آتَيْتَ الْفُرَاتَ فَاغْتَسِلْ وَ علقْ نَعْلَيْكَ وَ امشِ حَافِيًا وَ امشِ مَشَى الْعَبْدِ الذَّلِيلِ فَإِذَا آتَيْتَ بَابَ الْحَائِرِ فَكَبِّرْ أَرْبَعًا ثُمَّ امشِ قَلِيلًا ثُمَّ كَبِّرْ أَرْبَعًا ثُمَّ آتِ رَأْسَهُ فَفِغْ عَلَيْهِ فَكَبِّرْ أَرْبَعًا وَ صَلِّ عِنْدَهُ وَ سَلِّ اللَّهُ حَاجَتَكَ»^{۳۸}

زمانی که نماز را اقامه کردی به سوی حائر رو کن در حالی که آرامش و وقار داری و قدم‌هایت را کوتاه بردار که همانا خداوند تعالی برای تو به ازای هر گام، یک حج و یک عمره لحاظ می‌کند... (مصباح‌المتجهج، ج ۲، ص ۷۱۷؛ زاد المعاد، ص ۵۰۷)

۳۶... پس هنگامی که به فرات رسیدی قبل از اینکه از آن عبور کنی بگو... سپس از فرات عبور کن و بگو... سپس به سرزمین نینوا بیا و اسباب سفر را در آنجا قرار ده و روغن مالی و سرمه کنی و خوردن گوشت را تا زمانی که آنجا هستی ترک کن. سپس به رودی که مقابل محل قبر است برو و با حالت وقار، غسل کن و در حال غسل بگو... پس زمانی که تصمیم به پیاده‌روی گرفتی بگو... سپس با پاهای برهنه و با حالت آرامش و وقار، پیاده‌روی را آغاز کن... (کامل‌الزیارات، ص ۲۲۲)

۳۷... پس زمانی که به خواست خدا به سرزمین کربلا رسیدی، کنار رود علقمی منزل گزین. سپس لباس سفر را در بیاور و از آن رود غسل کن... هنگامی که از غسل فارغ شدی، پس لباسی از لباس‌های پاکت بیوش، سپس به سوی قتلگاه (سلام بر ساکنانش) رو کن در حالی که آرامش و وقار داری و پابرهنه و متواضع و فروتن هستی... (المزار الکبیر، ص ۳۷۰)

۳۸... هر کس پیاده به مزار حسین علیه السلام بیاید خداوند برای او به ازای هر گام، هزار عمل نیک ثبت می‌کند و هزار عمل ناپسند از او محو می‌نماید و هزار درجه به مقامات معنوی او می‌افزاید. پس هنگامی که به رود فرات رسیدی، پس غسل کن و کفش‌هایت را در بیاور و با پاهای برهنه و همچون عبد ذلیل پیاده‌روی کن. هنگامی که به باب حائر رسیدی، چهار بار تکبیر بگو و سپس کمی قدم بردار. سپس چهار بار تکبیر بگو و به بالای سر بیا و آنجا بایست و چهار بار تکبیر بگو و نماز بخوان و حاجتت را از خداوند درخواست کن. (کامل‌الزیارات، ص ۱۳۲ و ۲۲۱)

۸- روایت حسین بن ثویر از امام صادق علیه السلام: «...إِذَا آتَيْتَ أَبَاعَبْدَ اللَّهِ علیه السلام فَاعْتَسِلْ عَلَيَّ سَاطِئِ

الْفُرَاتِ ثُمَّ الْبَسْ ثِيَابَكَ الطَّاهِرَةَ ثُمَّ امْشِ حَافِيًا...»^{۳۹}

در این گونه از روایات، اشاره به آغاز مسیر پیاده‌روی از رود فرات، محور استدلال است. اولین سوآلی که به ذهن می‌رسد در مورد مصداق «الْفُرَات» می‌باشد. آیا رودخانه اصلی که حدود ۲۰ کیلومتر تا کربلا فاصله دارد مد نظر بوده یا منظور همان نهر علقمه است؟

در میان الفاظ این روایات، ادله و قرائنی وجود دارد که نشان می‌دهد منظور از شط فرات، همان نهر علقمه است. روایات ابن مشهدی و صفوان با کلیدواژه «الْعَلْقَمِي» به این نکته تصریح کرده‌اند. همچنین در روایت ابی حمزه ثمالی نیز به این موضوع تصریح شده است. در این روایت، زائر ابتدا از رود اصلی فرات عبور می‌کند و سپس به نهری که در مقابل قبر حضرت است می‌رسد (ثُمَّ تَأْتِي الشَّطَّ بِجِدَاءٍ نَحْلِ الْقُبْرِ)؛ غسل می‌کند و پیاده‌روی را از آنجا آغاز می‌کند. روایت ابن ثویر نیز در عبارت «إِذَا آتَيْتَ أَبَاعَبْدَ اللَّهِ علیه السلام فَاعْتَسِلْ عَلَيَّ سَاطِئِ الْفُرَاتِ» با اشاره به مجاورت رود فرات و مزار اباعبدالله علیه السلام، بر این نکته دلالت می‌کند که منظور از فرات، همان نهر علقمه است.

در این روایات، شیوه خاصی از پیاده‌روی مطرح شده است که نیازمند توجه می‌باشد. در بخشی از این روایات (روایات چهارم تا هشتم)، قید شده است که پیاده‌روی باید به صورت پابره‌نه، با گام‌های کوتاه، همراه با تواضع و خضوع و سکینه و آرامش باشد. اما روایات اول تا سوم پیاده‌روی را بدون این قیود برای محدوده فرات تا مزار، دارای فضیلت می‌دانند. به نظر می‌رسد که وجه جمع بخش اول و دوم از روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَاتِ»، این است که در آن محدوده، پیاده‌روی با پاهای برهنه و آن شرایط خاص، فضیلت بیشتری نسبت به مطلق پیاده‌روی دارد.

وجه جمع میان روایات

همان طور که گذشت در رابطه با زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده، سه گونه روایت وجود دارد. ظهور اولیه گونه روایات «مطلق» بر فضیلت پیاده‌روی در تمام طول مسیر دلالت دارد. گونه روایات

۳۹. ... زمانی که نزد اباعبدالله علیه السلام آمدی، در رود فرات غسل کن. سپس لباس‌های پاکیزه را بیوش. سپس با پاهای برهنه پیاده‌روی کن... (کافی، ج ۴، ص ۵۷۵؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۴؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۹۴؛ کامل الزیارات، ص ۱۹۷)

«مقید به: مِنْ أَهْلِهِ / مِنْ مَنْزِلِهِ» بر فضیلت پیاده روی در تمام طول مسیر، تصریح می‌کند. و گونه روایات «مقید به: مِنْ الْفُرَاتِ»، در محدوده فرات تا مرقد، به این فضیلت اشاره کرده است. در نگاه اولیه، میان دو گونه روایاتی که مطلق نیستند و هرکدام، محدوده متفاوتی برای پیاده‌روی مشخص کرده‌اند، تعارض وجود دارد. تعیین محدوده فضیلت پیاده‌روی نیازمند حل این تعارض است. همچنین حل این تعارض در برداشت نهایی ما از روایات مطلق نیز، تأثیرگذار خواهد بود. باید بررسی شود که کدام گونه از روایات صریح، روایات مطلق را تفسیر می‌کند.

بررسی‌ها حاکی از آن است که فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده در تمام طول مسیر، ثابت است و روایات «مقید به: مِنْ الْفُرَاتِ» خدشه‌ای بر آن وارد نمی‌کنند. ادله و قرائنی که بر این نکته دلالت می‌کنند بدین شرح است:

۱- این نکته به نظر می‌رسد که اگر پیاده‌روی در تمام طول مسیر مطلوبیت داشت، مقید کردن آن توسط روایات «مِنْ الْفُرَاتِ» به یک مسیر خاص، بی‌معنا بود؛ لذا روایات «مقید به: مِنْ الْفُرَاتِ»، ظهور در نبود فضیلت پیاده‌روی تا قبل از رود فرات دارد و این ظهور، بر ظهور روایات مطلق، مقدم است. در پاسخ باید گفت اولاً قید «مِنْ الْفُرَاتِ»، الزاماً به این معنی نیست که پیاده‌روی تا قبل از رود فرات، فضیلت ندارد؛ بلکه ممکن است دلیل این تقیید، فضیلت ویژه پیاده‌روی در آن محدوده، نسبت به قبل آن باشد. کما اینکه دستورات ویژه‌ای همچون، پابره‌نه بودن، کوتاه برداشتن قدم‌ها و... که در رابطه با محدوده فرات تا مرقد وارد شده است، نشان از اهمیت خاص این محدوده و فضیلت ویژه پیاده‌روی در آن دارد. ثانیاً اگر دلالت این روایات مبنی بر انکار فضیلت پیاده‌روی تا قبل از رود فرات را بپذیریم، این دلالت از جنس ظهور است و با نص روایات «مقید به: مِنْ أَهْلِهِ / مِنْ مَنْزِلِهِ» قابل معارضه نیست.

۲- همان طور که گذشت، روایات حَرِثِ بْنِ مُغْبِرَةَ، أَبِي سَعِيدِ قَاصِبِي و روایات «مُعَبَّرٌ» با قرائنی همراه هستند که ظهور آنها بر فضیلت پیاده‌روی در مسیرهای طولانی‌تر را تقویت می‌کند؛ لذا ظهور روایات «مقید به: مِنْ الْفُرَاتِ» قادر به تخصیص آنها نخواهد بود.

۳- با فرض تخصیص روایات مطلق توسط روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَاتِ»، با این بیان که روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَاتِ» قرینه‌ای است که روایات مطلق را تفسیر می‌کند، این قرینه، یک قرینه منفصله است. تخطی کردن از قرینه منفصله برای ما پذیرفتنی نیست؛ زیرا به لطف کتاب‌ها و جوامع روایی، این قرائن در کنار ذوالقرینه خود قرار گرفته و دلالت خود مبنی بر تخصیص ذوالقرینه را به‌روشنی بیان می‌کند؛ اما برای مخاطبمان زمان حضور، وضع این‌گونه نیست. اگر ذوالقرینه به یک راوی بیان شود و قرینه به راوی دیگر، تضمینی وجود ندارد که راوی اول به آن قرینه منفصله دست پیدا کند. در نتیجه دچار اشتباه شده و بدون در نظر گرفتن قرینه، به روایت ذوالقرینه عمل می‌کند. به‌عنوان مثال، وقتی امام علیه السلام خطاب به علی بن میمون، ثوابی را برای پیاده آمدن به زیارت امام حسین علیه السلام مترتب می‌داند و در رابطه با محدوده آن سخنی نمی‌گوید، بدون شک، علی بن میمون دچار اشتباه شده و این فضیلت را در تمام مسیر ثابت می‌شمرد. با این توضیح، روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَاتِ»، نمی‌تواند به‌عنوان قرینه منفصله پذیرفته شوند.

۴- روایت ابی‌صامیت از گونه روایات «مقید به: مِنَ الْفُرَاتِ» در مقام بیان جزئیات دستور زیارت، به‌صورت مرحله به مرحله است. این مرحله‌ها با حرف «فاء» و «ثم» بر هم عطف شده و تمام موارد حرف «فاء» در این روایت به‌معنای ترتیب است. اگر این معنا در مورد اولین «فاء» نیز صادق باشد، در این صورت روایت مذکور در ابتدا به فضیلت زیارت پیاده تا ابتدای رود فرات اشاره داشته و سپس به بیان دستور خاص پیاده‌روی با پاهای برهنه بعد از رود فرات مبادرت می‌ورزد. با این بیان، می‌توان قسمت اول از روایت ابی‌صامیت را در دسته روایات «مَاشِیاً» از گونه روایات مطلق نیز، قرار داد.

بررسی احتمال طریقت پیاده‌روی

این احتمال وجود دارد که روایاتی که دلالت آن‌ها بر پیاده‌روی در تمام طول مسیر سفر پذیرفته شد مانند روایات «مَاشِیاً» و «مقید به: مِنْ أَهْلِهِ / مِنْ مَنْزِلِهِ»، خطاب به کسانی است که توان سفر با مرکب را نداشته و به ناچار مجبور به زیارت پیاده شده‌اند. به بیانی دیگر، قید «عند الضروره» در مقام تخاطب این روایات وجود دارد و مانع اطلاق آنان می‌گردد. در نتیجه، سفر پیاده و سواره، تنها طریقت

داشته و چیزی که موضوعیت دارد، اصل زیارت است. در پاسخ به این اشکال به دو نکته اشاره می‌کنیم:

- ۱- همان طور که گذشت، ظهور اولیه روایات، اطلاق و عمومیت آن‌هاست. وجود قیدی مانند «عند الضروره» در مقام مخاطب، هرچند محتمل است اما نیاز به اثبات دارد.
- ۲- برخی راویان این روایات که مخاطب اولیه معصومین علیهم‌السلام بوده‌اند دچار ناتوانی مالی نبوده و شامل قید «عند الضروره» نمی‌شدند. لذا توصیه آنها به پیاده رفتن، توجیه منطقی نخواهد داشت.

الف) بشیر دَهَّان کوفی که از راویان روایات «مقید به: مِنْ أَهْلِهِ / مِنْ مَنَزَلِهِ» می‌باشد، در روایتی اذعان می‌کند که همه ساله به حج مشرف می‌شده است؛ اما یک سال، به دلیل طلبی که از مردم داشته و نگران آن بوده، نتوانسته به زیارت حج برود. کثرت سفر او به حج و طلب کاریش از مردم، نشان از بالا بودن توان مالی او دارد.

ب) علی بن میمون، راوی یکی از روایات دسته «مَاشِیاً» به شغل زرگری مشغول بوده و به نظر می‌رسد که در کار خود مشتری بسیاری داشته است^{۴۰} و شاگردانی نیز زیر دست او کار می‌کرده‌اند.^{۴۱} در روایت است که وقتی امام به او توصیه می‌کند که ماهانه به زیارت امام حسین علیه‌السلام برود او دلیل ناتوانیش در توفیق زیارت ماهانه را مشغله کاری عنوان کرده و حرفی از دشواری هزینه‌های سفر نمی‌زند. سپس از امام سؤال می‌کند که آیا می‌توان کسی را از طرف خودمان به آنجا بفرستیم؟^{۴۲} این سوال نیز نشان می‌دهد که او امکان پرداخت اجرت به زائر نیابی را داشته است.

ج) حَارِثُ بْنُ مُعَيَّرَةَ، راوی یکی از روایات «خطا» می‌باشد که با قرائتی بر فضیلت پیاده‌روی در تمام طول مسیر، دلالت می‌کند. وی به امام صادق علیه‌السلام عرضه می‌دارد که ما اموالی، همچون غلات و کالاهای تجاری داریم که شما بر آن حق دارید. حضرت میفرماید:

۴۰. لِأَنِّي أَعْمَلُ بَيْدِي وَ أُمُورُ النَّاسِ بَيْدِي وَ لَا أَقْدِرُ أَنْ أَعْيَبَ وَجْهِي عَنْ مَكَائِي يَوْمًا وَ أَجِدَا. (کامل الزیارات، ص ۳۹۵)

۴۱. أُنْقَبِلُ الْعَمَلُ فَأَقْبَلُهُ مِنَ الْإِلْمَانِ يَعْمَلُونَ مَعِيَ. (کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۵۱)

۴۲. کامل الزیارات، ص ۳۹۵.

ما حقوق خود را بر شما شیعیان و تمام کسانی که ما را دوست دارند، حلال کردیم.^{۴۳} تعلق گرفتن زکات یا خمس بر اموال فرد، نشان از توان اقتصادی قابل قبول وی دارد.

نتیجه پایانی

بر اساس آنچه در فرایند گونه‌شناسی و دلالت‌سنجی روایات گذشت، ظهور روایات «مطلق» و نص روایات «مقید به: مِنْ أَهْلِهِ / مِنْ مَنْزِلِهِ»، بر فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام با پای پیاده در تمام طول مسیر سفر دلالت دارند. با توجه به ادله و قرائنی که بیان شد، روایات «مقید به: مِنْ الْفُرَاتِ» در مقام تخصیص روایات «مطلق» نیست، بلکه نوعی تفاوت در پیاده‌روی، قبل و بعد از رود فرات را متذکر می‌شود. در واقع، آنچه زیارت پیاده را قبل و بعد از رود فرات از یکدیگر متمایز می‌سازد، اهمیت و نوع دستور پیاده‌روی است. با این نگاه، شیوه‌نامه زیارت پیاده مرقد امام حسین علیه السلام به این صورت است که اولاً زائر مسیر سفر تا کربلا یا بخشی از آن را پیاده طی کند؛ ثانیاً وقتی به نهر علقمه رسید، غسل کند و با پاهای برهنه به مسیرش ادامه دهد؛ گام‌هایش را کوتاه‌تر بردارد و با حالت تواضع و سکینه و آرامش همراه شود.

در ادامه، احتمال طریقت داشتن پیاده‌روی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به اینکه این احتمال، خلاف ظاهر روایات بوده و قرائنی برخلاف آن نیز موجود است، پذیرش آن، به دلیل نیاز دارد و تا زمانی که دلیلی ارائه نشود، موظف به عمل به ظاهر روایات هستیم.

فهرست منابع

۱. اقبال الاعمال، علی بن موسی ابن طاووس، تهران، دار الکتب الاسلامیه، دوم، ۱۴۰۹ق.
۲. الامالی، شیخ صدوق، تهران، کتابچی، ششم، ۱۳۷۶ش.
۳. الامالی، شیخ طوسی، تحقیق مؤسسه البعثة، قم، دار الثقافة، اول، ۱۴۱۴ق.
۴. بحار الأنوار، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۵. البرهان فی تفسر القرآن، سید هاشم بن سلیمان بحرانی، تحقیق مؤسسه البعثة، قم، دار الثقافة، اول، ۱۳۷۴ش.
۶. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۷. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، قم، دار الشریف الرضی، دوم، ۱۴۰۶ق.

۴۳. تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۴۳.

۸. جامع الاخبار، محمد بن محمد شعیری، نجف، مطبعة الحيدرية، اول.
۹. الرجال، احمد بن محمد بن خالد برقي، تحقيق سيد كاظم موسوي مياموي، تهران، دانشگاه تهران، اول، ۱۳۴۲ش.
۱۰. رجال الطوسي، شيخ طوسي، تحقيق جواد قيومي اصفهاني، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، سوم، ۱۳۷۳ش.
۱۱. رجال النجاشي، احمد بن علي نجاشي، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ششم، ۱۳۶۵ش.
۱۲. زاد المعاد، محمداقصر بن محمدتقي مجلسي، تحقيق علاء الدين اعلمی، بيروت، مؤسسة الاعلمی، اول، ۱۴۲۳ق.
۱۳. عوالي اللئالی العزیزية فی الاحاديث الدينية، ابن ابی جمهور احسائي، تحقيق: مجتبی عراقی، قم، دار سيد الشهداء، اول، ۱۴۰۵ق.
۱۴. الفهرست، شيخ طوسي، تحقيق سيدعبدالعزیز طباطبایي، قم، مكتبة المحقق الطباطبایي، اول، ۱۴۲۰ق.
۱۵. الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تحقيق علي اكبر غفاري و محمد آخوندي، تهران، دار الكتب الاسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۶. كامل الزيارات، جعفر بن محمد ابن قولويه، تحقيق عبدالحسين اميني، نجف، دار المرتضوية، اول، ۱۳۵۶ش.
۱۷. كتاب المزار، شيخ مفيد، تحقيق محمداقصر ابطحي، قم، كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد (ره)، اول، ۱۴۱۳ق.
۱۸. المزار الكبير، محمد بن جعفر ابن مشهدي، تحقيق جواد قيومي اصفهاني، قم، دفتر انتشارات اسلامي، اول، ۱۴۱۹ق.
۱۹. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، شيخ طوسي، بيروت، مؤسسة فقه الشيعة، اول، ۱۴۱۱ق.
۲۰. معجم مقاييس اللغة، احمد ابن فارس، تحقيق محمد عبدالسلام هارون، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، اول، ۱۴۰۴ق.
۲۱. ملاذ الاخبار في فهم تهذيب الاخبار، محمداقصر بن محمدتقي مجلسي، تحقيق سيد مهدي رجايي، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، اول، ۱۴۰۶ق.
۲۲. كتاب من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، تحقيق علي اكبر غفاري، قم، دفتر انتشارات اسلامي، دوم، ۱۴۱۳ق.
۲۳. مناقب آل ابی طالب عليه السلام، ابن شهر آشوب مازندراني، قم، علامه، اول، ۱۳۷۹ق.
۲۴. نهج الحق و كشف الصدق، حسن بن يوسف بن مطهر حلي، بيروت، دار الكتاب اللبناني، اول، ۱۹۸۲م.